

نکته: همزه یکی از حرف های الفبای زبان فارسی است. این حرف، مانند سایر حرف، مانند سایر حرف ها در خط فارسی، حرکت گذاری نمی شود؛ بنابراین بهتر است بنویسیم «قائم» و نه «قائم؛ مؤدب و نه مؤدب». در املاي کلماتي مانند (جزء اول) و (شيء نوراني)، نشانه -□، کسره نیست؛ به این نشانه، نقش نمای اضافه می گویند.

درس دهم: قلم سحر آمیز

پیام درس: تاکیدی بر دفاع از میهن و سرزمین تا پای جان و همچنین دفاع در برابر استعمار ظالم

باید برای استقلال و سربلندی میهنمان همیشه هوشیار باشیم و در برابر دشمنان مبارزه کنیم

معنی لغات:

*اوج گرفته بود: به بالاترین حد، پرواز کرده بود. *هدهد: پرنده ای به نام شانه به سر	*دلیرانه: شجاعانه *توده: آن چه به صورت انباشته و انبوه است	چالدران: یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است که جنگ معروف چالدران بین شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی در این محل واقع شد.
حیف: مایه پشیمانی و افسوس، جای افسوس	سبأ: نام سرزمینی در عربستان قدیم که ملکه آن به نام بلقیس مشهور است	صبا: بادی خنک که از جانب شمال شرقی می وزد.
زمزمه: نغمه، سرود خواندن زیر لب	خاکدان: محل ریختن خاک روبه، در این درس به معنی دنیا	طایر: پرنده، پرواز کننده
	طیب: پزشک، درمان کننده	سحرآمیز: آمیخته به جادو، فریبنده

ای هدهد صبا به سبا میفرستمت بنگر که از کجا به کجا می فرستمت
حیف است طایری چو تو، در خاکدان غم زین جا به آشیان وفا می فرستمت

قالب شعری: غزل

معنای بیت اول: ای پیام اور صبحگاهی! تو را به سرزمین سبا «سرزمین معشوق» میفرستم. نگاه کن که تو را به کجا می فرستم

معنی بیت دوم: ستم زیادی است که پرنده-ای (انسانی) مانند تو در این زمین غم- آلود گرفتار باشد. از این-جا تو را به آشیانه-ی مهربانی و محبت (سرای دوست) می -فرستم.

نکته های ادبی: کلمات قافیه: سبا، کجا / ردیف: می فرستم / ای هدهد: تشخیص صبا، سبا: جناس / هدهد صبا: اضافه تشبیهی (باد صبا به هدهد تشبیه شده است) / کجا: آرایه تکرار / صبا: نماد پیام رسانی / واج آراییی مصوت بلند «آ» هدهد و سبا: مراعات نظیر / این بیت تلمیح دارد به داستان حضرت سلیمان (ع) و بلقیس، مخصوصاً به آیه ۲۸ از سوره نمل «اینک نامه مرا به جانب آنان بر و باز شو تا بنگری پاسخ چه می دهند.»

نکته های زبانی: این بیت چهار جمله دارد / ای هدهد صبا: شبه جمله / سبا: متمم.

بیت دوم:

نکته های ادبی: طایری چو تو: تشبیه / خاکدان غم: استعاره از دنیا / آشیان و طایر: مراعات نظیر

نکته های زبانی: بیت دو جمله دارد / ضمیر متصل «ت» در می فرستم : مفعول (تورا می فرستم). حیف: مسند.

آفرین بر قلم سحر آمیزت: شبه جمله

شعر و نقاشی، کار خود را کرد: شعر و نقاشی، تأثیر خود را گذاشت. (کار خود را کردن، کنایه از تأثیر گذاشتن)

نقاشی تو طبیب زخم های ماست: نقاشی تو آنقدر آرامش بخش است که دردهایمان را درمان می کند.

نکته های ادبی: نقاشی به طبیب تشبیه شده است. / منظور از زخم، درد و رنج روحی است.

تاریخ ادبیات: کمال الدین ، بهزاد

نقاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی، لقب وی کمال الدین و از مردم هرات و شاگرد سید احمد تبریزی بود. شاه طهماسب اول نزد بهزاد نقاشی می آموخته است.

دونامه: نوع متن ساده و روان

پیام درس:

شخصیت های بزرگی چون سید جمال الدین اسدآبادی و میرزای شیرازی را الگو قرار دهیم و برای سرافرازی میهنمان، با جان و دل بکوشیم.

<p>استعمال: به کار بردن، معمول داشتن، استفاده</p> <p>در حکم: مثل، مانند</p> <p>مجاربه: با یکدیگر جنگیدن</p> <p>قلیان: وسیله ای برای دود کردن تنباکو</p> <p>تنگنا: سختی</p> <p>توطئه: نقشه کشیدن برای نابودی کسی یا چیزی، ساخت و پاخت کردن</p>	<p>استعمار: آبادانی خواستن، این واژه در مفهوم سیاسی به معنی تسلط کشور قدرتمند بر کشور ضعیف است.</p> <p>بیدادگری: ستمگری، ظلم کردن</p> <p>نیرنگ: سحر، جادو</p> <p>مرجع تقلید: مجتهدی که در مسائل دینی از او تقلید کنند.</p> <p>تحریم: منع کردن، جلوگیری و محدود کردن</p> <p>فتوا: رأی عالم دینی در حکم شرعی</p> <p>صادر کردن: ابلاغ کردن امری یا چیزی به صورت کتبی یا شفاهی</p>
---	---

تاریخ ادبیات: سید جمال الدین اسد آبادی

مردی آزادی خواه و دارای افکار و عقاید فلسفی، سیاسی، اجتماعی و طرفدار استقرار آزادی در کشورهای شرقی و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دولت های اسلامی بود. وی همه عمر خود را در مبارزه با استبداد پادشاهان ایران، عثمانی، مصر و سیاست استعماری انگلستان سپری کرد و پیوسته به شرق و غرب سفر می کرد. در پاریس روزنامه «عروه الوثقی» را منتشر کرد و به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد. وی سال ۱۳۱۴ هجری قمری در استانبول مسموم شد.

تاریخ ادبیات: میرزای شیرازی

درگذشت ۱۳۱۲ هـ.ق) از علمای عالی قدر شیعه، مرجع بزرگ تقلید، بنیان گذار مکتب سامرا و مبارز نستوه، در شیراز به دنیا آمد و برای تحصیل به اصفهان رفت. سپس به عتبات عالیات رفت و نزد شیخ مرتضی انصاری به تحصیل پرداخت. او در زمان ناصرالدین شاه قاجار برای مبارزه با استعمار انگلیس، با

فتوای مدبرانه خود، مصرف تنباکو را تحریم کرد. مدتی در سامرا به تدریس و تعلیم مشغول بود تا این که در سال ۱۳۱۲ هجری قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

نکته ی ادبی: جناس

یک سانی و هم سانی دو یا چند واژه است در واج های سازنده با **اختلاف در معنی**. دو کلمه هم جنس گاه جز معنی هیچ گونه تفاوتی با هم ندارند و گاه علاوه بر معنی، در یک مصوت یا صامت با هم متفاوت اند. ارزش جناس به موسیقی و آهنگی است که در کلام، خلق می کند و زیبایی جناس در گرو ارتباط آن با معنی کلام است.

تعریف ساده جناس: آوردن کلماتی که دقیقاً یا تقریباً به یک شکل نوشته می شوند ولی معنای متفاوت دارند.

انواع جناس:

جناس تام: دو کلمه ای که شکل نوشتن و خواندن یکی باشد ولی معنی آنها فرق داشته باشد .
مثال: بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (گوره خر و گور دومی به معنای قبر است)

مثال: بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد

(زاد اول به معنای توشه و زاد دوم به معنای ولادت است)

مثال: گلاب است گویی به جویش روان / همی شاد گردد زبویش روان (روان اول به معنی «جان»، روان دوم به معنی «روح و جان»)

مثال: ای بخارا شاد باش و دیر زی شاه زی تو شادمان آید همی (زی در مصراع اول : زندگی کن

زی در مصراع دوم : به سوی).

مثال: عشق شوری در نهاد ما نهاد (نهاد اولی به معنی سرشت است و نهاد دومی به معنای نهادن، قرار دادن)

نکته: اگر دو واژه که جناس تام دارند در آخر هر مصراع قرار بگیرند، ردیف نیستند. چون معنای یکسانی ندارند. در این حالت آنها قافیه به حساب می آیند و نشانه آن این است که قبل از این واژگان (که جناس تام و قافیه هستند)، کلماتی که هم قافیه هستند قرار نمی گیرند.

مثال: شنیدم که در مصر میری اجل سپه تاخت بر روزگارش اجل (اجل: بزرگ / اجل: مرگ) قافیه

مثال: تو حاصل نکردی به کوشش بهشت خدا در تو خوی بهشتی بهشت (بهشت: جنت) (مقابل دوزخ) بهشت: فرو گذاشت، از بین برد و هر دو بهشت: قافیه

مثال: مشو تا توانی ز زحمت بری که رحمت برندت چو رحمت بری (بری: دور، برکنار، روی گردان بری: ببری (فعل))

مثال: برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش (اولی خود، خویشتن؛ دومی: خویشاوند، قوم)

جناس ناقص اختلافی: دو کلمه ای که در معنی و فقط در یک حرف اختلاف دارند، اختلاف در بیش از دو حرف جناس نامیده نمی شود. این اختلاف ممکن است در حرف اول باشد یا در حرف وسط یا در حرف آخر

مثلاً: سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند / هم دم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

مثال: در زیر بارِ عشق تو از پا در آمدم / آخر به رغمِ دشمنم ای دوست دست گیر

مثال: هنگام تنگ دستی در عیش و کوش و مستی / کاین کیمیای مستی (مستی، هستی)

مثال: باغبان همچو نسیمم زدر خویش مردان / کاب گلزار از اشک چو گلنار من است (گلنار، گلزار)

مثال: سر رشته جان به جام بگذار / کاین رشته سردراز دارد. (جام، جان) در حرف آخر

جناس ناقص افزایشی: اختلاف دو کلمه علاوه بر معنی، در تعداد حرفشان است که یکی از کلمه ها بردیگری حرفی زائد (اضافی) دارد و به سه شکل دیده میشود:

(افزایش یک حرف در اول): ورا گرهمی یار باید بیار / مرایار هرگز نیاید بکار (یارو بیار).

(افزایش یک حرف در وسط) مانند ↓

سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند / همدم گل نمیشود یاد سمن نمی کند. (چمان و چمن)

(افزایش یک حرف در آخر) مانند ↓

ده روز مهر گردون افسانه است و افسون / نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا. (یارا و یاران)

جناس ناقص حرکتی: دو کلمه ای که در معنی و در یک حرکت با هم اختلاف دارند. اختلاف کلمه ها تنها

در حرکت (مصوت کوتاه) است. مثلاً: گل - گُل

مثال: گوهر مخزن اسرار همان است که بود / حقه مهردادان مَهَر نشان است که بود (مهراول علامت کسره دارد. ومهر دوم علامت ضمه دارد)

مثال: این چه ژاژ است چه کفر است و فُشار پنبه ای در دهان خود فِشار (فُشار به معنی سخن بی هوده است)

مثال: چشم که بر تو می گنم چشم حسود می گنم / شکر خدا که باز شد دیده بخت روشنم

مثال: پسر را نشانند پیران ده / که مهتر بر او نیست، مهرش بده

نکته: آرایه جناس تام با آرایه ی تکرار اشتباه نشود، جناس تام تکرار کلمه با دو معنی متفاوت است ولی آرایه ی تکرار هر دو کلمه در یک معنی به کار می رود.

نکته: ۳- مخفف ها با جناس ناقص اشتباه نشود. مثلاً ره با راه جناس ندارد

نکته: واژه های (خویش، خیش)، (خوار، خار)، (خواست، خاسته)، (خوار، خار)، (خوان، خان) و... یکسان است ولی واژه های هر دسته «جناس تام» ندارند. بلکه هم آوا هستند.

نکته: برخی کلمه ها، به گونه ای تلفظ و شنیده می شوند که با شکل نوشتاری آنها مطابقت کامل ندارد:

مانند «پنبه، منبر، سنبل و ...» (شنبه-شمبه)، استانبول-استامبول // تنباکو-تمباکو

به هنگام نوشتن املاي فارسی، به این گونه از واژه ها، لازم است ، توجه کنیم:

نوشتار: پنبه گفتار: پمبه

حکایت نام خوشبو:

پیام حکایت:

پیام اصلی این حکایت تأکیدی بر بزرگداشت و حرمت نهادن به اسم های خداوند بزرگ است که یکی از سنت های دیر پای فرهنگ و ادب و تمدن ایران و اسلام است.

امان: ایمنی، امنیت داشتن	عارف: خداشناس، عالم به علوم دینی
برگرفتن: برداشتن	مبارک: خجسته، فرخنده
حرمت: احترام، عزت	معطر: خوش بو
رهگذران: عابرن	ندا: صدا، آوا

نکات مهم:

۱. اندر شکاف دیوار نهاد: در درون شکاف دیوار قرار داد.

۲. از آسیب پای رهگذران در امان باشد: از برخورد و تماس پای رهگذران حفظ شود.

۳. ما نیز نام تو را معطر گردانیم در دنیا و آخرت تو را بزرگ و گرامی خواهیم داشت: ما نیز به تو عزت و آبرو می بخشیم تا در هر دو دنیا از تو به نیکی یاد شود.

تاریخ ادبیات:

رساله قشیریه: نوشته ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آنهاست. این اثر با تصحیح و تعلیقات استاد فروزانفر به چاپ رسیده است.

مهم ترین جمع های مکسر:

مکاتیب: مکتب	قلل: قله
مصیبت: مصائب	کتب: کتاب
حکیم: حکما	حکمت: حکم
غنی: اغنیا	حاکم: حکام
حکم: احکام	ولی: اولیا
شاعر: شعرا	دلیل: دلایل